

حق و آزادی آموزش و پرورش

۵۳

دو فصلنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

حسین رحمت‌اللهی و همکار
حق و آزادی آموزش و پرورش

حسین رحمت‌اللهی^۱

زهرا دانش ناری^{۲*}

۱. استادیار گروه حقوق دانشکده حقوق پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، قم، ایران.
۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، قم، ایران.

چکیده

آموزش و پرورش از مسائل بسیار مهم در همه‌ی جوامع است. امروزه نقش آموزش و پرورش بسیار پر رنگ شده و حائز اهمیت است به گونه‌ای که بانک جهانی^۱، در بیان شاخص‌های توسعه‌ی جهانی^۲، مسئله‌ی آموزش و پرورش را از جمله‌ی شاخص‌های مذکور می‌داند. حق آموزش از جمله‌ی حقوقی است که در زیر مجموعه‌ی حقوق بشر قرار می‌گیرد و به این معناست که افراد یک جامعه حق برخورداری از امکانات آموزشی رایگان را دارند. آزادی آموزش به این معناست که افراد در انتخاب مؤسسه‌ی آموزشی، محتوای آموزش و تأسیس مؤسسات آموزشی آزاد باشند. این نوع از آزادی از زیرشاخه‌های آزادی اندیشه به شمار می‌رود. مفهوم آزادی آموزش در منشور ملل متحد و قوانین اساسی کشورها مورد توجه قرار گرفته است. اهمیت موضوع به حدی است که یک سازمان بین‌المللی به نام یونسکو^۳ در زمینه‌ی آموزش فعالیت می‌کند و رسالت اصلی آن توجه به توسعه‌ی آموزش و پرورش در کشورهاست.

واژگان کلیدی: حق آموزش، آزادی آموزش، آزادی اندیشه، یونسکو.

آموزش و پرورش از مسائل بسیار اساسی در یک جامعه است. اهمیت آموزش و پرورش در جوامع امروزی امری انکارناپذیر است. امروزه بر اساس شاخص‌های ارائه شده از سوی بانک جهانی، آموزش و پرورش از معیارهای توسعه‌ی پایدار است. این مسئله علاوه بر آن که از بعد حقوق داخلی حائز اهمیت است از بعد بین‌المللی نیز شایان توجه است، به نحوی که می‌توان گفت اقدامات بین‌المللی در راستای حمایت از حق آموزش و تحقق آزادی آموزش چشمگیر می‌باشد. اقدامات بین‌المللی جنبه‌ی حمایتی صرف دارند و معمولاً دولت‌ها به دلایل مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی حق و آزادی آموزش را به طور کامل به رسمیت نمی‌شناسند. می‌توان گفت مسئله‌ی آزادی آموزش و پرورش از مباحث میان رشته‌ای است که در فلسفه، جامعه‌شناسی و حقوق مورد توجه قرار می‌گیرد. از بعد جامعه‌شناسی هدف افراد از یادگیری رسیدن به منافع مختلف است. بیشتر مردم معتقدند که بدون آموزش، جهان آنها به لحاظ اقتصادی، فکری، فرهنگی، اجتماعی و یا حتی اخلاقی غنی نیست. این احساس ناشی از یک لفاظی سیاسی نیست بلکه مبتنی بر تجارب مستقیم است. امروزه روش‌های یادگیری به صورت مؤثری بر زندگی تأثیرگذار است و رابطه‌ی مستقیمی بین آموزش، درآمد و اشتغال وجود دارد. اهمیت این موضوع به حدی است که در انگلستان هفته‌ی یادگیری بزرگسالان یک رویداد تبلیغاتی سالانه است که در آن موفقیت اشخاصی را که به وسیله‌ی آموزش از موقعیت‌های سخت‌رهایی یافتند، جشن می‌گیرد. بعضی از تحقیقات میدانی نشان می‌دهند که مردم با سطح تحصیلات بالاتر عمر طولانی‌تری می‌کنند و زندگی سالم‌تری دارند. (tom schuller, 2004: 4) از بعد حقوقی حق و آزادی آموزش و پرورش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. توجه دقیق به این دو مفهوم و تعیین حدود و ثغور آن قطعاً آثار مفیدی را برای پیشرفت جوامع به همراه خواهد داشت. این نوشتار در چهار گفتار به بیان مطالب می‌پردازد. در گفتار اول مفهوم حق و آزادی آموزش و پرورش تبیین می‌شود. در گفتار دوم نگاه تطبیقی به وضعیت آزادی آموزش و پرورش در سه کشور ایالات متحده‌ی آمریکا، هند و آفریقای جنوبی صورت می‌گیرد. در گفتار سوم نگاهی به وضعیت آزادی آموزش در پرتو قوانین موجود در حقوق داخلی داریم و نهایتاً در گفتار چهارم اقدامات بین‌المللی از جمله اقدامات یونسکو و کنوانسیون‌های مربوط به آموزش مورد بحث قرار می‌گیرد.

گفتار اول: مفهوم حق و آزادی آموزش و پرورش

حق آموزش

از آنجایی که موضوع اصلی این نوشتار حق و آزادی آموزش و پرورش است لازم است در ابتدا مفهوم این دو امر مورد بررسی قرار گیرد و شاخص‌های آن‌ها تبیین شود. می‌توان حقوق و آزادی‌ها را به چند گونه تقسیم بندی کرد. مثلاً به طور سنتی آن‌ها را به آزادی‌های فردی و آزادی‌های جمعی بخش‌بندی می‌نمایند. (عباسی، ۱۳۸۸: ۳۶۳).

به طور کلی حقوق و آزادی‌های فردی را در چهار نسل تقسیم بندی می‌کنند. حقوق نسل دوم که عموماً پس از جنگ جهانی دوم در میانه‌ی سده‌ی بیستم مورد پذیرش قرار گرفته‌اند به حقوق فردی و جمعی، حقوق مطالبه از دولت یعنی حقوقی که به شخص حق درخواست بهره‌گیری از آنها از دولت را می‌بخشد اضافه شدند. بنابراین برای حمایت از این حقوق و تحقق آنها نه تنها دولت نباید خود را کنار بکشد بلکه موظف به فراهم آوردن زمینه‌ی استفاده از آنهاست. این حقوق عبارتند از: حق برخورداری از آموزش و پرورش، سلامت، کار، تأمین اجتماعی، حمایت اجتماعی، تفریحات و سرگرمی‌ها و... (عباسی، ۱۳۸۸: ۳۶۴-۳۶۳).

حق آموزش به این معناست که اعضای یک جامعه حق دارند از امکانات آموزشی برخوردار شوند. این حق دارای ویژگی‌هایی است:

۱) اجباری بودن: به این معنا که حق آموزش و پرورش ایجاب می‌کند که اولیاء اطفال الزاماً نوباوگان خود را از سنین معین و برای مدت مشخص به مدرسه بسپارند. (قاضی، ۱۳۸۸: ۶۶۲).

اجباری بودن حق مذکور نیز خود محل مناقشه است. مخالفان چنین استدلال می‌کنند که اجباری دانستن این حق خود مغایر با حقوق و آزادی‌های فردی است.

۲) رایگان بودن: معمولاً آموزش و پرورش تا سطوح مشخصی باید رایگان باشد. رایگان بودن آموزش و حق اعضای جامعه در برخورداری از امکانات آموزشی این تکلیف را برای دولت به همراه دارد که آموزشی مناسب، با کیفیت و رایگان برای اعضای جامعه ارائه دهد.

دایرة المعارف ویکی پدیا در تعریف حق آموزش چنین می‌گوید: حق آموزش از جمله‌ی حقوق بشر است و در زمره‌ی حقوق اجتماعی و فرهنگی قرار می‌گیرد. شاخص‌های این حق عبارتند از: آزادی آموزش، آموزش در سطوح بالاتر، مسئولیت فراهم‌آوری آموزش در

سطوح مبنایی برای کسانی که آموزش ابتدایی را به صورت کامل نگذرانده‌اند، جلوگیری از تبعیض در امر آموزش، آموزش ابتدایی اجباری برای همگان، توسعه‌ی آموزش‌های فرعی و الزام به توسعه‌ی دسترسی مساوی به امکانات آموزشی. این موارد حداقل‌هایی است که باید در یک نظام آموزشی موجود باشد. (<http://en.wikipedia.org>)

آزادی آموزش

آزادی آموزش از جمله زیر شاخه‌های آزادی اندیشه است. آزادی اندیشه اقتضای آن را دارد که افراد و گروه‌های مختلف آزادانه افکار و عقاید خود را بیان کنند. آزادی آموزش به معنای تعلیم و آموزش دادن و آزادی تعلیم و آموزش دیدن می‌باشد. مواد ۲۶ و ۲۷ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر حق آموزش و پرورش را برای افراد به رسمیت می‌شناسد. بند ۴ ماده‌ی ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز مقرر می‌دارد: دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که آزادی والدین و برحسب مورد سرپرستان قانونی کودکان را در تأمین آموزش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق معتقدات خودشان محترم دارند. ماده‌ی ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز به حق برخورداری هر شخص از آموزش اشاره دارد: ۱- کشورهای طرف این میثاق حق هرکس را به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند. کشورهای مذکور موافقت دارند که هدف آموزش و پرورش باید نمو کامل شخصیت انسانی و اساس حیثیت آن و تقویت احترام حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی باشد. علاوه بر این کشورهای طرف میثاق موافقت دارند که آموزش و پرورش کلیه‌ی افراد را برای ایفای نقش سودمند در یک جامعه آزاد آماده سازد و موجبات تفاهم و تساهل و دوستی بین کلیه‌ی ملل و کلیه‌ی گروه‌های نژادی، قومی یا مذهبی را فراهم آورد و توسعه‌ی فعالیت‌های سازمان ملل متحد را به منظور حفظ صلح تشویق نماید. در واقع تحقق این نوع از آزادی موجب رشد و توسعه‌ی افکار می‌شود. محتوای این آزادی همچنین کنوانسیون حقوق کودک مصوب سال ۱۹۹۰ آزادی اشخاص حقیقی و حقوقی را در ایجاد و هدایت مؤسسات آموزشی پذیرفته است. (عباسی، ۱۳۹۰: ۱۷۲-۱۷۱) برخی از مصادیق عبارتند از:

اولاً کلیه‌ی اشخاصی که دارای برخی درجات و دانشنامه‌های علمی بوده و صلاحیت آنها احراز شده باشد، حق دارند برای بنیان نهادن مؤسسه‌ی آموزشی اقدام کنند، مشروط بر آنکه از پیش خیال خود را به استحضار مقامات مسئول دولتی برسانند. ثانیاً آزادی انتخاب مؤسسه‌ی آموزشی یکی از وجوه این گونه آزادی‌ها و از حقوق حقه‌ی شهروندان

است. اولیا اطفال باید بتوانند هر مدرسه ای را که مایل باشند انتخاب کنند و فرزندان خود را به آن بسپارند. ثالثاً در کشورهایی که اصل آزادی آموزش و پرورش مراعات می‌شود، مدارس خصوصی در کنار مدارس دولتی فعالیت می‌کنند ولی همیشه در این خصوص باب بحث و مجادله باز است، زیرا حضور دو نظام یعنی آموزش رایگان توسط دولت از سویی و آموزش با پرداخت شهریه توسط بخش خصوصی از سوی دیگر ممکن است به اصل آزادی انتخاب مدرسه به علت عدم امکان مالی همگان لطمه وارد آورد. به علاوه به جای اعمال اصل برابری افراد از لحاظ حقوق اجتماعی گونه‌ای عدم تساوی از طریق سطح تعلیم و تربیت در این دو گونه مؤسسه به وجود می‌آید. (قاضی، ۱۳۶۸: ۶۶۱). در مقابل این دیدگاه که معتقد به برتری مالی مدارس خصوصی است دیدگاه دیگری وجود دارد که معتقد است:

برای اینکه به جهت امکانات مالی و فنی دولت، مدارس عمومی از لحاظ جا و تجهیزات در موقعیت برتری نسبت به مدارس خصوصی نباشند و مدارس خصوصی در سطح پایین‌تر باقی نمانند و در ضمن بخش خصوصی به مشارکت در امر آموزش و پرورش تشویق شود، برنامه و محتوای دروس، شیوه و کیفیت تدریس و امتحانات در هر دو نوع مدارس (عمومی و خصوصی) باید همسطح باشد به گونه‌ای که دانش آموزان همگی در مسابقه‌ی ورودی دانشگاه‌ها و مدارس آموزش عالی شانس قبولی برابر داشته باشند. (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۲: ۱۱۳-۱۱۲).

برای پذیرش هر یک از دو نظر مذکور باید به واقعیت‌های جامعه توجه کرد. از یک سو پذیرش تأسیس مدارس خصوصی مطابق با آزادی آموزش است و از سوی دیگر همین آزادی می‌تواند ناقض برابری افراد جامعه باشد. شاید هنوز بتوان نفوذ لایه‌های نامرئی ثروت را در امر آموزش مشاهده نمود.

رابعاً آزادی در تنظیم محتوای دروس و شیوه‌ی تدریس در بسیاری از کشورها از اهم حقوق تعلیماتی است. لکن نحوه‌ی تدریس نباید به گونه‌ای باشد که ذهن نوباوگان زیر فشار عقاید و گرایش‌های سیاسی و اجتماعی معلمان قرار گیرد. نظارت دولت‌ها بر اجرای این اصل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. (قاضی، ۱۳۶۸: ۶۶۲-۶۶۱)

همان‌طور که قبلاً بیان شد آموزش و پرورش از جمله موضوعاتی است که از حیث جامعه‌شناسی نیز حایز اهمیت است. در همین رابطه درباره‌ی نقش آموزش در جامعه نظرات مختلفی وجود دارد.

دیدگاه‌ها و نظریات موجود در تبیین رابطه‌ی آموزش و پرورش و جامعه طیفی از

تفسیرها را در برمی‌گیرد که محافظه کاری مطلق یا نوعی انتقادگرایی محض و تقابل و تضاد در رابطه‌ی مذکور را شامل می‌شود. کسانی چون امیل دورکیم قائل بودند که نقش اساسی آموزش و پرورش وارد کردن و جای دادن هر فرد در نظام اجتماعی است و کارکرد اساسی این نهاد حفظ ثبات جامعه و اجتماعی کردن فرد است. در مقابل اندیشمندان طرفدار نظریه‌های تضاد در تبیین نقش و جایگاه آموزش و پرورش رسمی در نظام‌های اجتماعی، آن را به عنوان ابزاری برای اعمال منافع طبقات حاکم جامعه برمی‌شمارند. بر این اساس آموزش و پرورش ابزاری است که به وسیله‌ی آن می‌توان افراد مورد انتظار و مورد نیاز جامعه را براساس میل و مصلحت طبقات و گروه‌های مسلط پرورش داد. در واقع با فرآیندهایی که غالباً پنهان هستند باید افرادی را پرورش داد که:

- ۱- نیروی کار مفید برای آینده، متملق، غیر منتقد، منفعل و مطیع باشند؛ ۲- وجود و ضرورت سلسله مراتب قدرت، کنترل و سازماندهی موجود در جامعه را بپذیرند و به آن احترام بگذارند؛ ۳- از طریق انگیزه‌ها و تشویق‌های بیرونی فعال شوند و به درآمدها و مزایایی بیندیشند که در اثر استخدام شغلی به آنها داده خواهد شد و از این طریق پول و پاداش دریافت کنند. (اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۱۴).

پذیرش هریک از دو رویکرد درباره‌ی آموزش از دید حقوقی دارای آثار و نتایج متفاوتی است. پذیرش دیدگاه محافظه‌گرانه این نتیجه را به همراه دارد که آزادی آموزش تا حدی محدود شده و دولت‌ها به فرض پذیرش آموزش خصوصی آن را در جهت توجیه سیاست‌های خود قرار می‌دهند. پذیرش نظریه‌های تضاد درباره‌ی آزادی آموزش این نتیجه را به همراه دارد که همواره آموزش دولتی لزوماً بهترین و مناسب‌ترین گزینه نیست. در این دیدگاه جامعه‌شناسان معتقدند که آموزش دولتی افراد را صرفاً مطیع و توجیه‌کننده‌ی سیاست‌های دولت حاکم بار می‌آورد. نظارت مردمی از طریق اطلاع و پیگیری یک سازوکار مناسب نظارتی است که نیازمند آموزش مناسب افراد یک جامعه است. باید توجه داشت که محتوای آموزش در هر جامعه‌ای با توجه به نرم‌های خاص آن جامعه صورت می‌گیرد. معیارهایی چون اخلاق، عرف‌ها، ارزش‌ها و باورهای جامعه از مواردی هستند که نظام آموزشی در هر دو بخش دولتی و خصوصی باید بر آنها منطبق باشند.

گفتار دوم: نگاه تطبیقی به وضعیت آزادی آموزش در ایالات متحده آمریکا، هند و آفریقای جنوبی

آزادی آموزش از جمله اموری است که در قوانین اساسی اکثر کشورها راه یافته است و به آن توجه شده است.

۵۰ سال قبل دادگاه عالی ایالات متحدهی آمریکا رأی مهم و برجسته‌ای را صادر کرد. این رأی مشهور به "brown v. boarded" است. رأی دادگاه بیان می‌کند که در زمینه‌ی آموزش عمومی نظریه‌ی مجزا اما برابر، محلی از اعراب ندارد و امکانات آموزش مجزا، ذاتاً نابرابر است. اما تقریباً ۵ دهه‌ی بعد امکانات آموزش عمومی نابرابر باقی ماند. ۴۵٪ از سیاه‌پوستان و ۴۷٪ از دانش‌آموزان اسپانیایی دبیرستان‌های عمومی را ترک کردند. (در حالیکه این آمار مربوط به سفید پوستان ۲۴٪ بود). فقط ۵٪ از سیاه‌پوستان و ۱۰٪ از اسپانیایی‌ها به سطح حرفه‌ای در بخش ریاضی و پیشرفت‌های آموزشی دست یافتند. ۵۰ سال بعد از اعمال اصلاحات، مدیران مدارس عمومی در سطح شهرها کماکان با مشکلات مربوط به آمار فاحش ترک مدارس روبه‌رو هستند. گزارش سال ۲۰۰۳ که به وسیله‌ی مرکز ملی آمار آموزش منتشر شده است نشان می‌دهد که شکاف‌های عملکرد بین دانش‌آموزان سفید پوست و سیاه‌پوست در رده‌ی سنی ۱۷-۱۳ سال در دهه‌ی اخیر گسترش یافته است. ادامه‌ی شکست مدارس عمومی در جهت فراهم کردن کیفیت آموزشی که در مدارس شهر تجربه شد، منجر شد که مؤسسه‌ی کاتو^۲ همایشی را برگزار کند. هدف همایش بررسی وضعیت آموزش و پرورش بعد از صدور رأی دادگاه عالی بود. از شرکت‌کنندگان در همایش این سوال پرسیده شد که چگونه دانش‌آموزان می‌توانند به هدف آزادی و کیفیت آموزش دست پیدا کنند؟ مارتین لوتر کینگ رهبر جنبش دستیابی سیاه‌پوستان به حقوق سیاسی و مدنی می‌گوید: کیفیت زندگی سیاه‌پوستان بسیار دردناک است اما هیچ چیز دردآورتر از آن نیست که نظاره‌گر اخراج فرزندانمان از مدارس باشیم. سیاه‌پوستان آمریکایی در نقطه‌ی عجیبی از تاریخ آمریکا هستند. سیاه‌پوستان با موسیقی و نوع پوشش خود بر فرهنگ جامعه‌ی آمریکا اثرگذار هستند. این نمونه‌ها دوگانگی بین سیاه‌پوستان و توده‌های آمریکا را نشان می‌دهد. در بسیاری از نواحی این کشور شکست در رابطه با آموزش فرزندان فقیر آمریکایی-آفریقایی مانع از مشارکت این افراد در دموکراسی است. بسیاری از سیاه‌پوستان مجبور به تحصیل در مدارس هستند که برای آنها عملی انجام نمی‌دهند. دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان فاقد قدرت اثرگذاری بر نهادهای آموزشی هستند. دموکراسی مطابق نظر دکتر کنث کلارک بستگی به توانایی‌ها در گسترش و

تعمیق بینش مردم دارد. فقط از یک مردم آموزش دیده می‌توان انتظار داشت که انتخابی را کنند که از آزادی آنها دفاع کند. بنابراین آموزش برای بهبود آزادی و دموکراسی اساسی است. پیشنهادها در زمینه‌ی بهبود وضعیت سیاه‌پوستان عبارتند از: حمایت مؤثر از حق انتخاب والدین، قدرتمند کردن خانواده‌ها و افزایش آزادی‌های آموزشی برای این گروه است. سیاست‌های دیگری چون مدارس منزل، مدارسی که توسط والدین اداره می‌شود و مدارسی که بودجه‌ی آن دولتی است اما توسط سیاه‌پوستان اداره می‌شود از دیگر راهکارهاست. (David Salisbury and Casey Lartigue Jr. 14-16, 2004)

از آنچه گفته شد این نتیجه حاصل می‌آید که وضعیت آزادی آموزش در حقوق ایالات متحده‌ی آمریکا با چالش جدی مواجه است. وضعیت به گونه‌ای است که در نهایت در زمینه‌ی آموزش سیاه‌پوستان یک سیاست افتراقی را در پیش می‌گیرند. به نظر می‌رسد که این رویکرد نسبت به سیاه‌پوستان ناشی از دید اقلیتی است که نسبت به آنان وجود دارد. این امر علی‌رغم آن است که آمریکا در منشور آزادی در قرن ۱۶، اعلامیه‌ی استقلال و در قانون اساسی فدرال آمریکا خود را مدافع حقوق و آزادی‌های فردی می‌داند.

آزادی آموزش در هند:

هند یکی از کشورهایی است که با داشتن رقم جمعیتی بالا، تنوع گوناگونی از اقوام و ادیان مختلف را در خود جای داده است. مسئله‌ی آموزش در این کشور نیز حایز اهمیت است. در سرتاسر دهه‌ی اخیر، نقطه‌ی عطف عظیمی در حوزه‌ی سوادآموزی و آموزش ابتدایی صورت گرفته است. شاخص‌های کمی این امر را روشن می‌کند. علی‌رغم تلاش‌های خوبی که در این زمینه صورت گرفته است اما نابرابری جنسی در شاخص‌های آموزش برای دختران به خصوص در مناطق شهری و محروم همچنان باقی است. مشکلات دختران در ثبت نام مدارس در سطح ابتدایی در بین طبقه‌ی کاست‌ها و قبایل حادث‌تر است. در حال حاضر سطوح سوادآموزی زنانه به میزان قابل توجهی کمتر از سطوح سوادآموزی مردانه است. نهاد تحلیل‌های آماری در آموزش^۵ درصدهایی را ارائه می‌دهد. در ارزیابی‌های کلی نرخ ترک تحصیل دختران کاهش یافته است. تقریباً ۲۸.۵۷٪ از دختران در سطح ابتدایی ترک تحصیل می‌کنند. نرخ ترک تحصیل در طبقه‌ی کاست‌ها به میزان قابل توجهی بالاتر است. ۳۶.۱۹٪ در سطح ابتدایی در طبقه‌ی کاست‌هاست. این آمار و برای دخترانی که در قبایل زندگی می‌کنند، بالاتر است. ۴۸.۶۷٪ نرخ ترک تحصیل در این گروه است. این ارقام و آمار مربوط به کسانی است که در مدارس ثبت‌نام

کرده و سپس ترک تحصیل کرده‌اند. تعیین ارقام و مربوط به دخترانی که در گروه سنی مناسب آموزشی هستند اما هیچ‌گاه در مدارس ثبت نام کرده‌اند بسیار دشوارتر است. برنامه‌ی ملی آموزش ابتدایی^۶، نیازهای لازم در جهت تحصیل کودکان محروم از مدرسه را شناسایی کنند. نظام مدارس رسمی، اصلی و برتر همیشه مخالفان خود را دارد و برای پاسخ به نیازهای متنوع دانش‌آموزان محدود کننده است. نمونه‌های منعطف و جایگزین به نظر می‌رسد که تنها راه مناسب برای کسانی است که نظام رسمی برای آنها نامناسب، ناخوشایند و بیش از حد خشک و جمود است. تعدادی از برنامه‌ها در جهت آموزش دختران جوان محروم از مدرسه است که از سال ۱۹۸۶ آغاز شده است. در هند اصطلاح نظام آموزشی جایگزین^۷، عمدتاً برای برنامه‌های نظام آموزشی استفاده می‌شود که هدف از آن فراهم کردن امکان آموزش کسانی است که از تحصیل در مدرسه بازمانده‌اند. (shushmita dutt, 2010: 15-18)

با توجه به مطالبی که بیان شد مشخص می‌شود که آزادی آموزش در هند نیز با چالش جدی مواجه است. برخلاف ایالات متحده‌ی آمریکا که در آن نقض آزادی آموزش بر مبنای نژاد (محرومیت سیاه‌پوستان) است، در هند نقض آزادی ناشی از جنسیت است که بر اساس آن دختران به خصوص در دو طبقه‌ی کاست‌ها و قبایل فاقد امکانات آموزشی و تحصیلی هستند.

آزادی آموزش در آفریقای جنوبی:

در سال‌های اخیر متن‌های مهمی در زمینه‌ی نظام آموزشی پست آپارتاید در آفریقای جنوبی نوشته شده است. این نوشته‌ها موضوعات متنوعی را در بر می‌گیرند. در خصوص پیشرفت سیاست‌های اصلاحی و شامل مدیریت آموزشی، مدارس دولتی، برنامه‌های تحصیلی، زبان، انصاف، آموزش معلمان، توسعه‌ی آموزش در دوران کودکی و آموزش مبنایی بزرگسالان و موضوعات دیگری درباره‌ی تأثیرات خارجی بر نظام آموزشی آفریقا است. مشکلات اجتماعی، حواشی، محرومیت‌ها، فقر و بی‌عدالتی همواره با مسئله‌ی آموزش در آفریقا مرتبط است. نظام آموزشی با نابرابری عمیق به ویژه نابرابری قابل توجه در ارتباط با جوامع فقیر روبه روست. این محرومیت‌ها از تاریخ آموزش و پرورش آفریقای جنوبی ناشی می‌شود. تاریخی که تبعیض آمیز و نژادپرستانه است. در این کشور توزیع هزینه‌های آموزشی به صورت تعمدی در جهت حمایت از سفیدپوستان است. (envermotal and salimvally, 2003, 25-18)

گفتار سوم: نگاهی به قوانین آموزشی در حقوق داخلی

اهمیت موضوع آموزش و پرورش ایجاب می‌کند که نگاهی به وضعیت آزادی و حق آموزش و پرورش در قوانین داخلی داشته باشیم. بررسی قوانین مربوط به این موضوع، رویکرد جمهوری اسلامی را نسبت به مسئله‌ی آموزش روشن می‌کند.

نظام آموزشی هر جامعه جنبه‌ها و کنش‌های گوناگون دیگری نیز دارد و از نظر کل حیات اجتماعی و همین‌طور تکوین کنش ملی مردم جامعه‌ی واجد اهمیت بسیار است. به‌طور کلی نظام آموزشی ایران از نظر تأمین اهدافی که برای هر نظام آموزشی عنوان شد و همچنین روحیه‌ی قانون‌شناسی به‌عنوان یک اصل و اعتقاد درونی مفید فایده نیست. (صانعی، ۱۳۸۱: ۵۶۸)

در بررسی قوانین داخلی بر مبنای سلسله مراتب میان قوانین ابتدا به بررسی اصول قانون اساسی و سپس قوانین سازمان دهنده در جهت اجرای اصول قانون اساسی می‌پردازیم. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل آزادی را به‌طور کلی مورد توجه شدید قرار داده است و خواسته است که به‌طور جدی و بدون بهانه به حفظ و رواج و بقای آن عنایت شود. تدوین کنندگان قانون اساسی با الهام از دیدگاه آزادی‌بخش اسلام و متأثر از آفات خفقان و محدودیت آزادی در رژیم‌های دیکتاتوری و آگاه از اینکه شرط اولیه‌ی پیشرفت و ترقی هر ملتی احساس بر خورداری از آزادی فکر و اندیشه و فارغ از دغدغه‌ی خاطر تحت پیگرد قرار گرفتن به بهانه‌های واهی از سوی حکومت و متولیان قدرت، اصل وجود آزادی را در دو اصل ۹۰ و ۹۲ قانون اساسی مورد توجه قرار داده است و حتی حکومت را از وضع قانون برای محدود کردن آزادی‌های مشروع منع کردند. (مهرپور، ۱۳۷۸: ۱۵۶-۱۵۵)

بعد از آگاهی از دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نسبت به آموزش به بررسی اصول قانون اساسی مرتبط با این مسئله می‌پردازیم. اصل سوم قانون اساسی بیان می‌کند: "برای بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه‌ی زمینه‌ها با استفاده‌ی صحیح از مطبوعات، آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی و تقویت روح بررسی و ابتکار در همه‌ی زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان. اصل ۳۰ قانون اساسی از اصول مهم در زمینه‌ی آموزش است. اصل ۳۰ قانون اساسی بیان می‌کند: "دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه‌ی ملت تا پایان دوره‌ی متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به‌طور

رایگان گسترش دهد. در صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی تدوین قانون اساسی این اصل به عنوان حق ملت در نظر گرفته شده است.

در زمینه‌ی آموزش و پرورش یک مسئله‌ی مورد ابتلا داریم و آن مسئله‌ی بی سوادی و کم سوادی است که بیشتر کشورها مبتلا به آن هستند و کشورهای دنیا برای رفع بی سوادی و کم سوادی علاوه بر رایگان بودن آن به جنبه‌ی الزامی آن نیز توجه کرده‌اند. اگر ما بخواهیم در مملکت خودمان بی سوادی از بین برود، فرع بر این است که علاوه بر رایگان بودن الزام باشد که تا یک حدی هم باید باسواد شوند و این را برای خودشان یک حق و وظیفه بدانند، چون ممکن است مردم از این حق خودشان غافل شوند و به علل اقتصادی نخواهند حق خودشان را بگیرند. (صورت مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴) از این مذاکرت چنین استنباط می‌شود که قانونگذار اساسی به الزامی بودن حق آموزش نظر دارد. در ادامه‌ی مشروح مذاکرت درباره‌ی این اصل آمده است: "آیا این اصل می‌رساند که تعلیم و تربیت رایگان باشد و غیر رایگان در مملکت وجود نداشته باشد؟ درست است که اثبات است و نفی ما عدا نمی‌کند، اما ممکن است در آینده به تحصیلات رایگان که یک نوع آزادی برای افراد است تمسک کنند و جلو افرادی را که می‌خواهند دبستانی با سلیقه‌ی شخصی و خدمات مالی و انسانی خودشان درست کنند را با تمسک به همین اصل گرفته و جلو احداث دبیرستان‌ها و دبستان‌های ملی را بگیرند." (پیشین)

از مجموع مذاکرات در زمینه‌ی رایگان بودن حق آموزش چنین برداشت می‌شود که اگرچه اصل بر رایگان بودن حق مذکور است اما این امر به معنای نفی آموزش خصوصی نیست.

به نظر می‌رسد از لحاظ قانون اساسی آزادی تعلیم و تربیت مفروغ‌عنه بوده و نیازی به تصریح نداشته است. در واقع هدف مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی این بوده که بی سوادی را ریشه کن سازد تا سطح آگاهی‌های عمومی بالا رود و بدین سان محیطی مساعد برای رشد فضایل اخلاقی فراهم گردد. (توحیدی، ۱۳۸۶: ۱۵۶)

بعد از بررسی اصول قانون اساسی به بررسی قوانین عادی در راستای تحقق آزادی آموزش می‌پردازیم. از جمله قوانینی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تصویب شد، اساسنامه‌ی نهضت سوادآموزی جمهوری اسلامی ایران است که در تاریخ ۱۳۶۳/۳/۳۰ به تصویب رسیده است. این قانون داری ۸ ماده است. ماده ۱ این قانون بیان می‌کند: "نهضت سوادآموزی سازمانی است وابسته به وزارت آموزش و پرورش که به منظور ریشه‌کن ساختن بی سوادی با توجه به ماده ۸ انجام وظیفه می‌نماید." همان‌طور که در ماده‌ی ۱

این اساسنامه تصریح شده است، هدف اصلی از ایجاد این نهاد ازین بردن بی‌سوادی است. ماده‌ی ۴ این قانون وظایف این سازمان را احصا می‌کند که از جمله‌ی آن "آموزش بزرگسالان در حد خواندن و نوشتن و آموختن حساب" است. تبصره‌ی ۱ ماده‌ی این قانون ارگان‌های دولتی و نهادهای انقلابی را موظف می‌کند که کلیه‌ی امکانات خود را در صورتی که وقفه‌ای در وظایف ایشان وارد نیاید، در اختیار نهضت قرار دهند و نهضت هم موظف است از همه‌ی امکانات استفاده کند.

از دیگر قوانین، قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش است. این قانون مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۲۵ است. فصل اول این قانون اهداف اساسی این وزارتخانه را تبیین می‌کند. ماده‌ی ۵ این قانون بیان می‌کند: "برخورداری از آموزش‌های عمومی برای کلیه‌ی دانش‌آموزان کشور باید به گونه‌ای باشد که برحسب استعداد و جنس بتوانند از تعلیمات مناسب جهت شکوفایی خلاقیت‌ها بهره‌مند شوند." این ماده اشاره‌ی صریحی به بحث جنسیت در امر آموزش دارد و در واقع آزادی آموزش را فارغ از جنسیت می‌پذیرد اگرچه قبل از آن در قانون اساسی و بر اساس اصل ۱۵ همه‌ی ملت اعم از زن و مرد از حقوق یکسان برخوردارند و رنگ، نژاد و زبان و مانند اینها سبب امتیاز نیست. ماده‌ی ۷ این قانون بیان می‌دارد: "به منظور تعمیم و توسعه‌ی آموزش و پرورش کشور، زمینه‌های جلب مشارکت مردم در امر آموزش و پرورش از هر طریق ممکن فراهم آید." تبصره‌ی این ماده بیان می‌دارد که وزارت مکلف است به اشخاص حقیقی و حقوقی که دارای صلاحیت‌های علمی و اخلاقی بوده و متقاضی تأسیس مدارس ابتدایی، راهنمایی و متوسطه با هزینه‌ی خود و همیاری مردم و اولیا دانش‌آموزان باشند و متعهد شوند که در چارچوب سیاست‌ها و اهداف جمهوری اسلامی ایران فعالیت نمایند، مجوزهای لازم را اعطا کنند. در واقع تبصره‌ی مذکور آزادی تأسیس مدارس خصوصی را به رسمیت می‌شناسد. به طور کلی درباره‌ی قانون مذکور می‌توان گفت این قانون یک قانون سازمان‌دهنده است و در جهت تحقق اصولی از قانون اساسی است که به آموزش و پرورش اهتمام داشته است.

از دیگر قوانین مرتبط با آموزش و پرورش قانون برنامه‌ی پنجم توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران است. بند ج از ماده‌ی ۱۹ قانون مذکور بیان می‌دارد: "آموزش و پرورش مجاز است در حدود مقرر در اصل ۱۵ قانون اساسی گویش محلی و ادبیات بومی را در مدارس تقویت نماید." کشور جمهوری اسلامی به لحاظ فرهنگی یک کشور کثرت‌گراست. تنوع قومی و نژادی در داخل کشور تنوع فرهنگی را به همراه دارد و به همین

خاطر این امر ایجاب می‌کند که در کنار برنامه‌های آموزش ملی به آموزش محلی نیز توجه شود.

از دیگر مصوبات مربوط به آموزش و پرورش سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش است که از جمله‌ی مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

از مجموع قوانین داخلی درباره‌ی آموزش و پرورش این نتیجه حاصل می‌آید که علاوه بر توجه قانونگذار اساسی به این مسئله، قانونگذار عادی نیز توجه خاصی را به این موضوع داشته است. معیارهایی که برای دو مفهوم حق و آزادی آموزش بیان شد در این قوانین به خوبی گنجانده شده است.

گفتار چهارم: اقدامات بین‌المللی در زمینه‌ی حمایت از حق و آزادی آموزش

با توجه به اهمیت آموزش و پرورش این موضوع از دید بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است. از جمله‌ی اقدامات بین‌المللی تأسیس یک سازمان بین‌المللی زیر نظر سازمان ملل متحد به نام یونسکو است.

در سال ۱۹۴۵ نمایندگان ۳۷ کشور اساسنامه‌ی یونسکو را امضا نمودند و به این ترتیب یونسکو شکل گرفت. محورهای اساسی برنامه‌ی یونسکو عبارتند از: (۱) آموزش و پرورش برای همه؛ (۲) پیشبرد تحقیقات زیست محیطی از طریق برنامه‌های علمی جهان؛ (۳) حفظ و تقویت میراث طبیعی و فرهنگی جهان؛ (۴) پیشبرد جریان آزاد اطلاعات، آزادی مطبوعات و توسعه‌ی رسانه‌های کثرت‌گرا و در عین حال تقویت امکانات و ظرفیت‌های ارتباطی کشورهای در حال توسعه است. در سال ۱۳۲۷ پس از تصویب مجلس، ایران به عضویت یونسکو درآمد و فعالیت رسمی خود را آغاز کرد. اولین اساسنامه‌ی کمیسیون ملی یونسکو توسط وزارت علوم در سال ۱۳۲۸ تدوین و تصویب گردید. اهداف این کمیسیون در ایران عبارتند از: - تلاش برای برقراری حفظ و بسط عدالت، آزادی و حقوق انسانی با الهام از اصول اسلامی - مشارکت در فعالیت‌های یونسکو، تعمیم آموزش و مبارزه با بی‌سوادی، شناخت فرهنگ‌های مختلف جوامع و معرفی فرهنگ ایرانی - اسلامی (نوروزیان، ۱۳۸۴: ۱۵)

هدف اصلی از ایجاد این سازمان بین‌المللی تعمیم آموزش است البته در کنار این اهداف اصلی اهداف فرهنگی را نیز تعقیب می‌کند.

از دیگر اقدامات بین‌المللی تصویب یک کنوانسیون با عنوان کنوانسیون مقابله با تبعیض در امر آموزش که در تاریخ ۲۲ می ۱۹۶۲ لازم‌الاجرا شد. در این کنوانسیون بیان شده که واژه‌ی تبعیض شامل هر نوع تمایز، محرومیت، محدودیت یا امتیاز به علت رنگ، نژاد،

جنسیت، زبان، مذهب، عقیده‌ی سیاسی، ریشه‌ی ملی یا اجتماعی و...، وضعیت اقتصادی یا اصل و نسب می‌باشد که باعث از بین رفتن یا تضعیف تساوی در برخورد آموزشی می‌شود و به ویژه موارد زیر را دربرمی‌گیرد: الف) محدود ساختن افراد یا عده‌ای از دست‌یابی به آموزش در هر نوع یا هر سطح؛ ب) محدود ساختن افراد یا گروه‌هایی از افراد به آموزشی با سطح کیفی نازل؛ ج) همان‌گونه که در ماده‌ی ۲ کنوانسیون آمده است ایجاد نظام‌های آموزشی جداگانه و یا مؤسسات جداگانه‌ای برای اشخاص یا گروه‌هایی از افراد؛ د) تحمیل شرایط ناسازگار با کرامت انسانی به فرد یا گروهی از افراد (ارجمند، ۱۳۸۶: ۲۵۵). در این ماده بعد از بیان یک تعریف کلی از تبعیض، مصادیقی از تبعیض را بیان می‌کند که البته این مصادیق حصری نبوده و جنبه‌ی تمثیلی دارند.

در ماده‌ی ۲ این کنوانسیون آمده است: در جهت اهداف این کمیسیون واژه‌ی آموزش به کلیه‌ی انواع و سطوح آموزش اطلاق می‌شود و شامل دسترسی به آموزش، استاندارد و کیفیت آموزشی و شرایط ارائه‌ی آموزش می‌گردد. (ارجمند، ۱۳۸۶: ۲۵۵) در واقع نظر به اهمیت آموزش این کنوانسیون به همه‌ی سطوح آن توجه داشته و آن را محدود به آموزش در سطوح پایین ندانسته است.

ماده‌ی ۳ این کنوانسیون بیان می‌دارد " برای از بین بردن و پیشگیری از تبعیض مورد نظر این کنوانسیون دولت‌های عضو باید موارد زیر را رعایت کنند:

الف) از میان برداشتن هرگونه مفاد قانونی و هرگونه دستورالعمل‌های اداری و متوقف ساختن هرگونه اقدامات اداری که تبعیض در آموزش را دربرداشته باشد.

ب) تضمین قانونی این امر که هیچ نوع تبعیضی در امر پذیرش دانش آموزان برای ورود به مؤسسات آموزشی اعمال نمی‌شود.

ج) عدم امکان رفتار متمایز توسط مراجع عمومی با ملیت‌های گوناگون مگر بر اساس شایستگی یا نیاز

د) عدم اعمال محدودیت یا ارجحیت توسط مراجع عمومی در پرداخت کمک به مؤسسه‌های آموزشی به صرف این علت که دانش آموزان به گروهی خاص تعلق دارند.

ه) فراهم ساختن دسترسی برابر ساکنان خارجی به آموزش همانند اتباع همان کشور". (ارجمند، ۱۳۸۶: ۲۵۵). مقررات مذکور در این کنوانسیون به لحاظ نظری مناسب است.

آنچه بسیار اهمیت دارد، عملی کردن این قوانین در حقوق داخلی کشورهاست. تا زمانی که این کنوانسیون‌ها به شکل قوانین داخلی متجلی نشوند، فاقد کارایی هستند. البته معمولاً تجارب نشان می‌دهد که مفاد کنوانسیون‌ها در حقوق داخلی کشورها با تغییرات

زیادی به شکل قانون درمی‌آیند. این روند تا حد زیادی اهداف کنوانسیون را محقق نمی‌سازد. به نظر می‌رسد پیش‌بینی یک نهاد نظارتی در حقوق بین‌الملل برای این امر می‌تواند مفید باشد.

به طور کلی می‌توان گفت اقدامات بین‌المللی در این زمینه مناسب است. البته همان‌طور که بیان شد آنچه اهمیت دارد عملی کردن مفاد کنوانسیون در حقوق داخلی کشورهاست.

نتیجه‌گیری

آزادی و حق آموزش و پرورش از جمله مسائلی است که جنبه‌ی حقوق بشری دارد. این مفاهیم در نسل دوم حقوق بشر قرار می‌گیرند. در اسناد بین‌المللی مانند منشور ملل متحد و اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر به این مفاهیم توجه شده است. در حقوق داخلی کشورها نیز قوانینی در این باره به تصویب مراجع قانونگذار رسیده است. اهمیت این موضوع در کشورهایی که در آن تکثرگرایی فرهنگی وجود دارد، دوچندان است. در واقع فراهم کردن شاخص‌های آزادی آموزش در این گونه کشورها از اهمیت بیشتری برخوردار است. چرا که در کنار فرهنگ رسمی و ملی جامعه، خرده‌فرهنگ‌هایی نیز وجود دارند که صاحبان آن باید در آن مورد نیز آموزش ببینند. نگاهی به وضعیت داخلی کشورها و آنچه در مقام عمل می‌گذرد، نشان می‌دهد وضعیت آزادی آموزش چندان مطلوب نیست. در این راستا اقدامات حمایتی بین‌المللی در جهت تحقق آزادی آموزش می‌تواند مفید و مؤثر باشد. وضعیت حقوق داخلی در زمینه‌ی آزادی و حق آموزش مطلوب به نظر می‌رسد. شاخص‌های حق آموزش در قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است و در زمینه‌ی آزادی آموزش به حقوق اقلیت‌ها توجه شده است.

یادداشت‌ها

- 1-world bank
- 2 -world development indicators
- 3 -unesco
- 4-cato institute
- 5-GER
- 6-SSA
- 7-ALS



۶۸
دوفصلنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

سال سوم، شماره هفتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

منابع

- فارسی

الف) کتب و مقالات

- ۱- ارجمند، اردشیر (۱۳۸۶)، *مجموعه‌ی اسناد بین‌المللی حقوق بشر*، قسمت اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ دوم.
- ۲- تاجیک اسماعیلی، عزیزالله (۱۳۸۹)، «آموزش و پرورش، جامعه‌ی مدنی، حقوق و تربیت شهروندی»، *نشریه‌ی آیین*، آبان، شماره‌ی ۳۲ و ۳۳.
- ۳- توحیدی، احمدرضا (۱۳۸۶)، «تأملی در اصول کلی نظام»، *حقوق و آزادی‌های مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، انتشارات دفتر نشر معارف، چاپ دوم، تابستان.
- ۴- راسخ، محمد (۱۳۸۵)، «ویژگی‌های ذاتی و عرضی قانون»، *نشریه‌ی مجلس و پژوهش*، تابستان، شماره‌ی ۵۱.
- ۵- صانعی، پرویز (۱۳۸۱)، *حقوق و اجتماع*، انتشارات طرح نو، چاپ اول.
- ۶- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۲)، *آزادی‌های عمومی و حقوق بشر*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، تابستان.
- ۷- عباسی، بیژن (۱۳۸۸)، *مبانی حقوق اساسی*، انتشارات جنگل، چاپ اول.
- ۸- عباسی، بیژن (۱۳۹۰)، *حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین*، نشر دادگستر، چاپ اول.
- ۹- قاضی شریعت‌پناهی، ابوالفضل (۱۳۶۸)، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، نشر میزان، چاپ دوم.

- مهرپور، حسین (۱۳۸۷)، *حقوق بشر و راهکارهای اجرای آن*، انتشارات اطلاعات تهران، چاپ اول.

- نوروزیان، مهدی (۱۳۸۴)، «آشنایی با سازمان یونسکو»، *نشریه‌ی رهیافت*، زمستان، شماره‌ی ۳۴.

- (۱۳۶۴)، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی، ج ۱، اداره‌ی کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی (ب) قوانین:

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

- اساسنامه‌ی نهضت تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

- قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش

- قانون برنامه‌ی پنجم توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران

۲- خارجی

- David Salisbury and Casey Artigue Jr (2004), "educational freedom in urban America brown v. board after half century", Cato Institute, Washington D.C.

- Tom Schuller, John Preston, Cathie Hammond, Angelabarrasett, Grandy and John Bynner (2003), *the benefits of learning, the impact of education on health, family life and social capital*, by RoutledgeFalmer, New York.

- Shushmita Dutt (2010), "girls education as freedom?", *Indian Journal of Gender Studies*.

- Enevermotal and Salimvally, "class, race and state in post apartheid education", Routledge studies in education and neoliberalism series 2008.

- <http://en.wikipedia.org>